

ضرورت های استقرار صنعت در روستا

محمد صادق جنان صفت

توان ماندگاری هر کشوری در جهان پرتحول کنونی تابعی است از میزان هوشیاری مردم آن کشور در بهره برداری بهینه از منابع موجود کشورشان که الزاماً باید بر پایه برنامه ها و طرح های از پیش اندیشیده بنا شده باشد. وضعیت کنونی اقتصاد ایران ایجاب می کند که به دنبال ارائه طرح ها و شیوه های نوینی باشیم که جوابگوی نیازمندی های آینده کشور بوده، راه گریز از تنگناها و پیچیدگی های فعلی را به ما نشان دهد. طرح «استقرار صنعت» در روستاها اگر جدی تلقی شود و اگر با صبر و حوصله و با کارشناسی دقیق مورد پیگیری قرار گیرد، به گمان ما می تواند زمینه ساز خروج از بعضی تنگناها باشد.

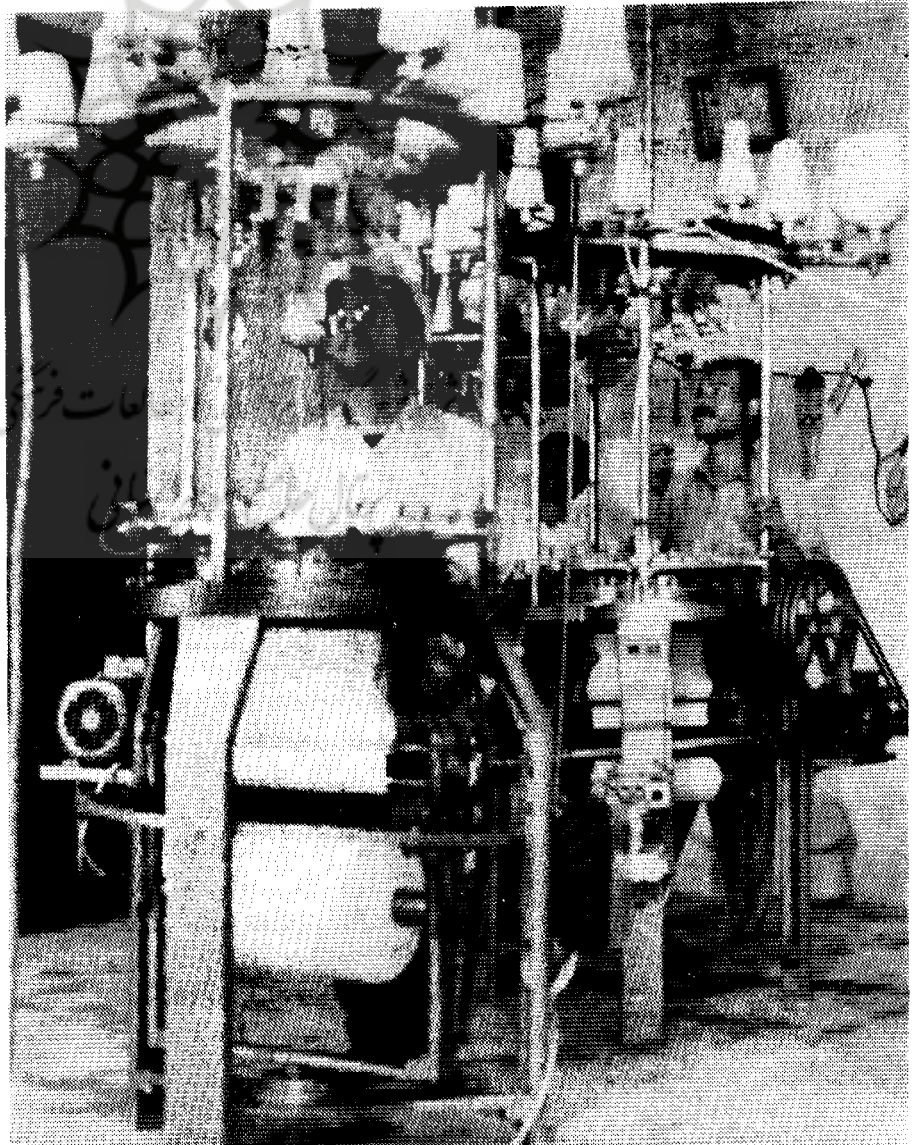
طرح استقرار صنعت در روستاها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در کانون توجه عده ای از دلسوزان انقلاب قرار گرفت و کارهای نسبتاً خوبی نیز در این زمینه صورت پذیرفته است و این کوشش در دنباله تلاش های قبلی شاید بتواند گرد فراموشی از چهره این طرح گرفته، آن را به صورت یک امر جدی در نظر دست اندرکاران جلوه دهد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی چگونگی برخورد با بخش کشاورزی و روستاها از دو جهت در کانون توجهات قرار داشته است: اول به جهت اینکه بخش کشاورزی باید بتواند نیاز کشور به مواد غذایی را برآورده سازد تا در جهان پر آشوب کنونی از این نظر بندهای وابستگی ما به غولهای اقتصادی بریده شود. دوم مسئله مهاجرت روستاییان و پیامدهای ناگوار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاصل از این مسئله.

متأسفانه باید اقرار کرد که در دهه گذشته در زمینه حل مسایل فوق نه تنها پیشرفتی حاصل نشده است، بلکه وضعیت کنونی بیانگر وخیم تر شدن اوضاع است: در این مقاله سعی شده است طرح استقرار صنعت در روستاها که به نظر می رسد می تواند در زمینه رفع مشکلات فوق و به خصوص در امر مسئله مهاجرت کارایی لازم را داشته باشد، مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- ضرورت های استقرار صنعت در روستاها

به گمان بعضی کوچاندن صنعت به روستاها عملی است غیر اقتصادی و مسایل روستاها را باید به شیوه ای دیگر حل کرد. در زیر تلاش شده



است که ضرورت‌های موجود برای این عمل بطور گذرا مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱- بخش کشاورزی قادر به تأمین اشتغال کامل و بهینه نیروی انسانی روستاها نیست

میزان اشتغال‌زایی در روستاها در بخش کشاورزی تابعی است از منابع طبیعی بالقوه و بالفعل در کشور که به شرح زیر است:

□ آب، هم اکنون سالانه در حدود ۴۵ میلیارد متر مکعب از منابع آب زیرزمینی برداشت می‌شود و هنوز منابع آب زیرزمینی کشور که به‌طور گسترده در ایران وجود دارند، مورد شناسایی قرار نگرفته است و فقط مظهر این تشکیلات به صورت چشمه‌هایی که تخلیه آنها به ۷ میلیارد متر مکعب بالغ می‌شود، مشاهده می‌گردد.

اگر حجم آب‌های سطحی کشور را ۱۰۰ میلیارد متر مکعب برآورد کرده، ۴۵ میلیارد متر مکعب برداشت از منابع آب زیرزمینی را نیز به آن بیفزاییم حداقل حجم منابع آب سطحی کشور به ۱۴۵ میلیارد متر مکعب بالغ می‌شود، در حالی که میانگین بارندگی ۲۰ سال اخیر فقط ۲۶۰ میلی‌متر بوده است. در حال، منابع آب ایران مانند هر کشور دیگری محدود بوده، توزیع زمانی و مکانی آن نیز به پیروی از طبیعت اقلیمی آن نامنظم و پراکنده است. از منابع سطحی و زیرزمینی ایران سالانه اقلاً در حدود ۷۳ میلیارد متر مکعب به شرح زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد:

می‌توان مصرف کل این برداشت را برای کشاورزی تلقی کرد، زیرا اصولاً مصارف شهری و صنعت و معدن حتی در صورت پیشرفت آرمانی آنها به ۵ میلیارد متر مکعب در سال هم نخواهد رسید. هفتاد و چند میلیارد متر مکعب آبی که در آبیاری مصرف می‌شود، بایستی اقلاً ۷ میلیون هکتار زمین را به نحو احسن آب‌یاری کند.^۱ همچنین طبق آمار دیگری که وزارت نیرو اعلام داشته است، در صورت تأمین اعتبارات لازم و با یک تلاش همه جانبه آب قابل استحصال تا سال ۱۳۸۱ معادل ۸۰ میلیارد متر مکعب خواهد بود.^۲ با توجه به اینکه مقدار آب مورد نیاز برای هر هکتار زمین آبی به‌طور متوسط ده هزار متر مکعب است، می‌توان گفت مقدار زمینی که تا سال ۱۳۸۱ زیر کشت آبی قرار خواهد گرفت ۸ میلیون هکتار خواهد بود.^۳

□ زمین، ظرفیت نگهداری جمعیت در روستاها تابعی است از توان ایجاد شغل و اراضی مزروعی که در این مورد نقشی غیر قابل انکار دارد. «در ایران حدود نیمی از کشور را زمینهای غیر قابل عمران

تشکیل می‌دهد که شامل کویرها، دریاچه‌ها و باتلاقهاست. حدود ۲۰ درصد رانیز جنگلها و بیشه‌زارها، مراتع، شهرها و راه‌ها اشغال کرده‌اند. ۲۰ درصد نیز شامل اراضی بایر قابل عمران از جمله مراتع درجه ۲ و ۳ می‌شود. بنا بر این تنها ۱۰ درصد از اراضی کل کشور زمینهای قابل کشت است.»^۴

جدول شماره (۲) منعکس‌کننده توزیع زمین‌های ایران است:

آمار مذکور بیانگر این مطلب است که در آرمانی‌ترین شکل ممکن می‌توان با صرف هزینه‌های هنگفت ۳۰ درصد از اراضی ایران را به زیر کشت برد - البته بعد از کسورات زیر:

- مقدار فضای مسکونی مورد نیاز جمعیت فعلی و جمعیت آینده که در جدول شماره (۳) آورده شده است.

- مقدار فضای لازم برای راه اندازی تاسیسات عمومی اقتصادی - اجتماعی از قبیل مراکز آموزشی، مراکز بهداشتی، مراکز تفریحی، مراکز ورزشی، کارخانجات، ساختمان‌های مربوط به وزارتخانه‌ها و ارگان‌های مختلف.

- مقدار فضای لازم برای ایجاد راه‌های روستایی، شهری و...

□ مراتع: طبق آمارهای موجود مساحت کل مراتع ایران ۹۰ میلیون هکتار است و میانگین تولید علوفه خشک در آنها ۱۱۱ کیلوگرم در هکتار است. پس تولید کل مراتع ایران حدود ۱۰ میلیون تن است. جیره متوسط یک واحد دامی در روز ۱/۷۵ کیلوگرم و در سال حدود (۶۳۹=۱/۷۵×۳۶۵) کیلوگرم است. بنا بر این، تولید مذکور برای تغذیه ۱۶ میلیون واحد $\frac{10/000/000}{0/639} = 16$

جدول شماره ۱- چگونگی بهره‌برداری از منابع آب

۱۸ میلیارد متر مکعب	شش نهر از رودخانه‌های کشور
۸ میلیارد متر مکعب	قنوات (۲۳ هزار رشته)
۷ میلیارد متر مکعب	چشمه‌ها
۲۸ میلیارد متر مکعب	چاه‌های عمیق و نیمه عمیق مجاز
؟	چاه‌های عمیق و نیم عمیق غیر مجاز
۱۲ میلیارد متر مکعب	آب کنترل شده از سد ها

جدول شماره ۲- توزیع اراضی کل کشور

نوع اراضی	مساحت - کیلومتر مربع	درصد
زیر کشت و گیاهان دائمی	۹۲۱۲۰	۵/۶
آیش	۴۹۲۹۰	۳
مراتع مصنوعی	۱۶۰۰	۱/۱
بیشه	۱۰۰۰۰	۰/۶
جنگل طبیعی	۱۲۷۰۰۰	۷/۷
مراتع طبیعی	۹۰۰۰۰	۵/۴
بایر قابل عمران	۳۳۰۰۰	۲۰
غیر قابل عمران	۸۱۸۰۰۰	۴۹/۷
شهرها و راه‌ها	۱۱۸۳۴۰	۷/۲
بستر رودخانه‌ها و دریاچه‌ها	۱۲۰۰۰	۰/۷
جمع	۱۶۴۸۳۷۷	۱۰۰

مأخذ: تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۱۳، تابستان ۱۳۶۸.

● به استناد سرشماری ۱۳۶۵، ۸/۷ درصد از شاغلان بخش کشاورزی به معیشت بسیار ضعیف خانواده های خود وابسته اند و به اصطلاح، کارکن خانوادگی بدون مزد هستند و همچنین براساس مطالعات موردی صورت پذیرفته میزان بیکاری فصلی شاغلان بخش کشاورزی حداقل ۲۰ درصد از کل شاغلان است.

● محدودیت زمین (به نسبت کمتری) مرتع و بالاخص آب ۳ عامل محدود کننده ای هستند که اجازه افزایش اشتغال در بخش کشاورزی را بیش از یک حد معین نخواهند داد.

● طرح استقرار صنعت در روستاها اگر جدی تلقی شود و اگر با صبر و حوصله و با کارشناسی دقیق مورد پیگیری قرار گیرد، می تواند زمینه ساز خروج از بعضی تنگناها باشد.

دامی در هر دوره کفایت می کند و با توجه به ۳ دوره چرا در هر سال - بیلاق، قشلاق و میان بند - مراتع ایران می توانند ۴۸ میلیون واحد دامی را تغذیه کنند. از طرف دیگر، با توجه به الگوی مصرفی فعلی گوشت در کشور می توان گفت که به طور تقریب به ۲۰۰ میلیون واحد دامی در افق سال ۱۳۸۱ نیازمندیم.^۷

با توجه به آنچه که در بالا ذکر شد، محدودیت زمین (به طور نسبی) مرتع و بالاخص آب در بلند مدت، ۳ عامل محدود کننده ای هستند که اجازه افزایش اشتغال در بخش کشاورزی را بیش از یک حد معینی نخواهند داد.

در ادامه بحث ۲ پارامتر دیگر را که هر کدام می توانند به نحوی بر مسئله اشتغال بخش کشاورزی عامل تاثیر گذار باشند، مورد کنکاش قرار می دهیم.

○ جمعیت: نگاهی به ساختار جمعیت در ایران، موبد و مطلب عمده است: اول نرخ بالای رشد جمعیت که در سال ۱۳۶۷ حدود ۳/۲ درصد بوده است، دوم جوان بودن جمعیت کنونی است که این به نوبه خود بر مسئله اشتغال در سال های آتی تاثیرات عمیقی خواهد گذاشت.

بهر هر حال، طبق آمار موجود، جمعیت ایران در سال ۱۳۶۸ به ۵۴/۴۴۷۰۰۰ نفر رسیده است^۸ که از این تعداد ۲۳/۵۵۶۰۰۰ نفر در روستا ساکن هستند. اگر خوش بین بوده، بپذیریم که در سال های آتی نرخ رشد جمعیت به ۳ درصد در سال کاهش خواهد یافت، به جمعیت کشور تا سال ۱۳۸۱ به طور متوسط سالانه ۱۸۰۰۰۰ نفر افزوده خواهد شد. به این ترتیب، در سال ۱۳۸۱ جمعیت کشور به حدود ۷۷۰۰۰۰۰۰ نفر خواهد رسید. با کنار گذاردن این فرض که نرخ رشد جمعیت در

روستاها نسبت به شهرها بیشتر است و با فرض قبول نسبت شهر نشینی کنونی معادل ۵۶ درصد در سال ۱۳۶۷ و توقف روند مهاجرت روستاها به نقاط شهری جمعیت ساکن در روستاها در پایان سال ۱۳۸۱ معادل ۳۴۲۵۲۰۰۰ نفر خواهد شد. با فرض اینکه بعد خانوار در روستاها به طور متوسط ۶ نفر است، در این سال روستاهای ما نیازمند به متجاوز از ۵/۷ میلیون شغل خواهند بود. (بدون احتساب زنانی که جزء جمعیت فعال محسوب می شوند). همچنانکه اشاره شد تا سال ۱۳۸۱ میزان اشتغال زایی بخش کشاورزی در این سال بیش تر از ۴/۳ میلیون شغل نخواهد بود، یعنی در سال منتهی به ۱۳۸۱ کمبودی معادل ۱/۴ میلیون شغل در روستاها وجود خواهد داشت.

□ وضعیت موجود اشتغال نیروی انسانی، جمعیت فعال کشور با متوسط رشد سالانه حدود ۲/۷ درصد از ۹/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۲/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ رسید. بر این مبنا در همین سال ها، ۳ میلیون جوینده جدید و با توجه به یک میلیون جمعیت بیکار و بیکار فصلی سال ۱۳۵۵ که در این دهه نیز متقاضی کار بوده اند، ۴ میلیون متقاضی شغل به بازار کار راکد و کساد کشور وارد شده اند.

در دهه ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵، با پیدایش ۱/۹ میلیون فرصت جدید شغلی - آن هم عمدتاً به گونه کاذب - تعداد جمعیت شاغل از ۹/۱ میلیون نفر به ۱۱ میلیون نفر رسید. بدین منوال در ازای ۴۷ درصدی که در این دوره به جمعیت کشور افزوده شد، فقط ۲۱ درصد بر حجم جمعیت فعال شاغل افزوده شد. در این سال ها حدود ۱۴/۲ درصد یا ۱/۸ میلیون نفر از این نیروی کار به دلایل گوناگون از مشارکت در فعالیت های اقتصادی

محروم مانده، به کاری دست نیافته اند. نسبت اشتغال فعالیت های خدماتی از ۳۰/۹ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۴۲/۳ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است و در مقابل، از حجم و نسبت اشتغال فعالیت های صنعتی کشور به نحو چشمگیری کاسته شده است. به اتکای نتایج سرشماری سال ۱۳۶۵ کشور و حساب های ملی، ۳۳ درصد از ۱۱ میلیون جمعیت شاغل کشور در تولید محصول ملی این دوره نقشی نداشته اند و در واقع بیکار پنهان هستند. به سخن دیگر، تولید محصول ناخالص کنونی کشور را می توان با ۷/۳۷۰ میلیون نفر نیروی کار تأمین کرد.

در برنامه ۵ ساله یکی از اهداف کمی در زمینه اشتغال نیروی انسانی ایجاد سالانه حدود ۳۹۴۰۰۰ هزار شغل در طول برنامه است و در سال ۱۳۷۲ در صورت اجرای بی کم و کاست برنامه ۵ ساله، باز هم در حدود ۲۱۸۷۰۰ بیکار وجود خواهد داشت.

جدول شماره (۴) تحول جمعیت، جمعیت فعال، شاغل و بیکار را در طول سال های ۱۳۶۸-۱۳۷۲ را نشان می دهد.

جدول شماره ۳- مقدار فضای مسکونی لازم سالهای ۱۳۸۰ - ۱۳۷۰ بر حسب رشد جمعیت در ۳ حالت مختلف^۹

سال	زیربنای مورد نیاز (میلیون مترمربع)		
	حالت ۱	حالت ۲	حالت ۳
۱۳۷۰	۳۵۰	۳۵۵	۳۵۹
۱۳۷۵	۴۲۷	۴۶۳	۴۶۷
۱۳۸۰	۵۵۰	۵۹۰	۶۲۰

جدول شماره ۴ - تحول جمعیت، جمعیت فعال، شاغل و بیکار طی سالهای ۱۳۶۸ - ۱۳۷۲

سال متغیرها	۱۳۶۷	۱۳۶۸
کل جمعیت	۵۲۷۵۵	۶۱۶۸۴
جمعیت دهسال و بیشتر از دهسال	۳۵۰۶۱	۴۱۶۷۸
جمعیت فعال	۱۳۶۱۱	۱۵۶۰۶
شاغل	۱۱۴۵۰	۱۳۴۱۹
بیکار	۲۱۶۱	۲۱۸۷

مأخذ: لایحه برنامه توسعه اقتصادی ۱۳۶۸ - ۱۳۷۲.

همانطور که در آمار مذکور دیده می شود از قدر مطلق بیکاران طی برنامه ۵ ساله نه تنها کاسته نخواهد شد که بر آن افزوده نیز خواهد شد. اگر نکات یاد آور شده بالا را با مسایل زیر در يك مجموعه در نظر بگیریم، تصویری باز هم وخیم را مشاهده خواهیم کرد:

- به استناد سر شماری سال ۱۳۶۵، ۸/۷ درصد از شاغلان بخش کشاورزی بدون اینکه مزد و حقوق بگیرند، به معیشت بسیار ضعیف خانوارهای خود وابسته اند و به اصطلاح کار کن خانوادگی بدون مزد هستند.

- میزان بیکاری فصلی بر اساس مطالعات موردی صورت گرفته در چندین نقطه کشور، حداقل ۲۰ درصد از شاغلان کشاورزی را شامل می شود. در همین مورد، پیرو تحقیقات دیگری که در سال ۱۳۵۱ انجام شده است، متوسط طول مدت کار کشاورزی (زراعت) در سال ۷ الی ۷/۵ ماه بر آورد می شود و به طور کلی هر سال ۷۵۰ هزار تا يك میلیون (با احتساب جمعیت شاغل آن زمان در بخش زراعت) نفر در فصول رکود کار کشاورزی بیکارند.

- ابعاد مالکیت های اراضی بهره برداران زراعی بسیار نامتعادل است. الگوی اشتغال زراعی نیز به تبع از نابهنجاری های این بخش و شیوه های غیر کار آمد بهره برداری از منابع و عوامل تولید نامناسب است. ۵۵ درصد از بهره برداران زراعی یا بدون زمین هستند و یا کمتر از ۲ هکتار زمین دارند که وسعت اراضی آنها از ۱۶ درصد کل اراضی مزروعی کشور بیشتر نیست.^۴ از مطالعه عمیق تر آنچه که در بالا ذکر شد می توان نتایج زیر را گرفت:

الف - با در نظر گرفتن امکانات و ظرفیت های بالفعل و بالقوه منابع بخش کشاورزی و با عنایت به مسائلی مانند رشد جمعیت، تحولات اشتغال نیروی انسانی و آینده بخش کشاورزی متوجه می شویم که ظرفیت جذب نیروی انسانی بخش کشاورزی به حدی نیست که توانسته باشد و یا بتواند پاسخگوی مناسبی به نیروی انسانی موجود در روستاها باشد.

در نتیجه، در این بخش مازاد نیروی انسانی همواره وجود داشته و در صورت ادامه روند گذشته همچنان وجود خواهد داشت.

ب - فوری ترین نتیجه ای که می شود از بند الف گرفت این است که در آمد شاغلان در بخش کشاورزی نسبت به دیگر بخش های اقتصادی (بالاخص بخش خدمات) در سطح پائین تری قرار داشته است که این امر را می توان از جدول شماره (۵) استنباط کرد.

همان طور که از جدول برمی آید نسبت مصرف شهری به مصرف روستایی (شکاف درآمدی میان شهر و روستا) از ۱/۶ در سال ۱۳۳۸ به ۴/۷ در سال ۱۳۵۶ افزایش یافته است که بازگویی عمیق تر شدن شکاف درآمدی و در نتیجه شکاف میان سطح زندگی در دو مکان جغرافیایی شهر و روستاست^{۱۵}. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گرچه این اختلاف کاهش یافته است (که عمدتاً به خاطر ثابت ماندن درآمد خانوارهای شهری) با این وجود در سال ۱۳۶۵ اختلاف درآمدها بین خانوارهای شهری و روستایی به نسبت ۲ به يك به نفع خانوارهای شهری برآورد شده است.



سال	مصرف سرانه شهری	مصرف سرانه روستایی	نسبت
۱۳۳۸	۱۵/۶	۹/۹	۱/۶
۱۳۵۰	۳۲/۱	۱۱/۷	۲/۷
۱۳۵۳	۶۱	۱۷/۵	۳/۵
۱۳۵۶	۱۲۰	۲۵/۷	۴/۷

مأخذ: مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۲ مهر ۱۳۶۶، ص ۲۵

ج - اختلاف درآمد از عوامل عمده ای است که روستاییان را به سوی شهرها روانه کرده است و انتظار می رود که با وضعیت کنونی این روند ادامه یابد و پدیده مهاجرت را از وضعیت کنونی هم بفرنج تر کند. آمار موجود بیانگر این است که در ۱۰ سال منتهی به ۱۳۶۵، ۶ میلیون نفر محل خود را ترک کرده اند که از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ بیش ترین جابه جایی صورت گرفته است و از این تعداد ۷۰ درصد جمعیت جا به جا شده به نقاط شهری آمده اند.^{۱۷}

حال این پرسش پیش می آید که با این جمعیت مازاد روستایی چه کار باید کرد؟ پاسخ هایی که می توان داد عبارتند از: - نگهداشتن جمعیت در روستاها به هر صورت ممکن.

در این صورت باید نتایج محتمل آن را که عبارتند از اولاً افزودن بر دامنه فقر در روستاها به دلیل غیر کارآمدتر شدن تولید و در نتیجه بدتر شدن وضع درآمدی بالاخص در زراعت و ثانیاً بهم خوردن تعادل های حیاتی (استفاده ناصحیح و نامعقول از منابع آب و خاک و) را پذیرفت. - رهاگذاری روستاییان به این که بردامنه مهاجرت از روستاها افزوده، به نقاط شهری هجوم آورند. این شق از مطلب گرچه در یک سوی توجیه اقتصادی دارد و آن مقرون به صرفه شدن فعالیت های کشاورزی (کاهش نسبت نیروی کار به منابع که متضمن کارآمدتر شدن است) و بعضی ها نیز به درستی براین باورند که این مهاجرت باید انجام شود، ولی وضعیت کنونی زندگی اقتصادی ایران در جبهه های گوناگون بی شک پاسخ مناسبی به آن نخواهد داد. همانطور که ذکر شد میزان اشتغال زایی در آزمانی ترین شکل در سال حدود ۲۹۴۰۰۰ هزار شغل در برنامه اول توسعه پیش بینی شده است که این تعداد

شغل حتی پاسخگوی جمعیت موجود شهری نیز نیست، مگر اینکه مهاجرین بدون هیچ کنترلی وارد بخش انگلی اقتصاد شده، این بخش متورم شده را بیش از این جاق کنند.

از سوی دیگر، حظرفیت خدمات رسانی در بخش های اقتصادی کشور مانند آب، برق، راه و بخش های اجتماعی مانند احداث مدارس، درمانگاه ها و... به میزانی نیست که بتواند پذیرای مهاجرین تازه وارد به شهرها باشد. به عنوان مثال، می توان به یک مورد از موارد یادشده اشاره کرد: «بنا به تخمین کارشناسان، متجاوز از ۳ میلیون نفر از جمعیت شهرنشین کشور در زاغه ها، گودها، آلونک ها، کیرها و خانه های کاملاً انحطاط یافته زندگی می کنند»^{۱۸} که «نتیجه این حاشیه نشینی برای مهاجرین چیزی جز زیر پا گذاشتن مقررات و قوانین کشوری، تکدی، سرقت، ولگردی، عاقل و باطل در کنار خیابان ها برسه زدن و در نهایت سردرآوردن از باندهای قاچاق نیست»^{۱۹}.

و بالاخره راه حل دیگری که به نظر می رسد راه حل کاراتری نسبت به سایر شقوق است، کوچاندن و استقرار صنعت به معنای وسیع آن به مناطق روستایی است که در بخش بعدی کوشش شده است تا مزیت های این شق توضیح داده شود.

۱-۲- استراتژی بخش کشاورزی در آینده

تا اینجا مطلب فرض براین بود که ساختار کنونی بخش کشاورزی بدون تغییر خواهد ماند، ولی دلایل محکمی وجود دارد که تغییر در ساختار کنونی این بخش را امری الزامی می کند که اهم آنها را به طور گذرا مورد بررسی قرار می دهیم:

* مقایسه بازده تولید بخش کشاورزی در ایران با سایر کشورها نشان دهنده ضعف عمومی این بخش است. به عنوان مثال عملکرد تولید در واحد سطح بعضی از محصولات عمده زراعی را که در جدول شماره (۶) آورده شده است، می توان گواهی برای مدعا دانست.

همانطور که از جدول فوق بر می آید، جز برنج سایر محصولات بازدهی رضایت بخشی ندارند و میزان تولید در هکتار آنها در رده های آخر طبقه بندی جهانی قرار می گیرد.^{۲۰} همچنین در مورد دام نیز «بنا بر اطلاعات موجود در سال ۱۹۸۴ میانگین وزن لاشه گاو، گوساله و گاو میش در ایران تنها ۱۱۳ کیلوگرم است که در مقایسه با میانگین جهانی ۸۳ کیلوگرم و در مقایسه با آمریکای شمالی ۱۳۹ کیلوگرم کمتر است»^{۲۱}

□ واقعیت تلخ دیگر آن است که در حال حاضر،

حتی در حد مصرف محدود و جیره بندی شده مواد اساسی غذایی مانند برنج، گوشت، لبنیات، تخم مرغ، قند و شکر و روغن نیز قادر به تولید نیازهایمان نیستیم. نگاهی به مقدار و ارزش واردات مواد کشاورزی در سال های گذشته (جدول شماره ۷) تصویر روشنی از وضع تیره موجود را نشان می دهد.



● واقعیت تلخ دیگر آن است که در حال حاضر حتی در حد مصرف محدود و جیره بندی شده مواد اساسی غذایی مانند مرغ، گوشت، لبنیات، تخم مرغ قند و شکر و روغن نیز قادر به تولید نیازهایمان نیستیم.

از جدول فوق بر می آید که در بین ۸ محصول اساسی کشاورزی از ۲۵ تا ۹۶ درصد متکی به واردات هستیم. گندم که غذای اصلی جامعه را تشکیل می دهد به میزان ۳۲ درصد متکی به واردات است و به عبارت دیگر، اگر از واردات گندم به کشور، به طریقی جلوگیری شود يك سوم جمعیت بدون غذا خواهد ماند^{۲۲}.

از سوی دیگر «با توجه به رشد سریع جمعیت کشور که پیش بینی می شود در سال های آینده نیز ادامه یابد و با توجه به آغاز برنامه های بازسازی اقتصادی کشور که طبیعتاً موجب افزایش درآمد ملی و بهبود درآمدهای سرانه خواهد بود و در افق سال های آتی بخش کشاورزی از رشد تقاضای قابل توجهی برای محصولات عمده برخوردار خواهد بود»^{۲۳}.

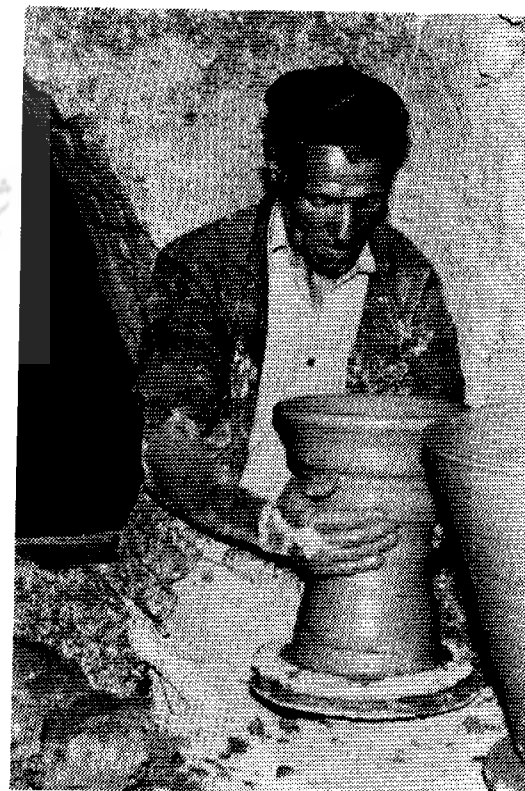
* عده ای براین باورند که برای نگهداشت جمعیت در روستاها و جلوگیری از مهاجرت آنها باید وضعیت فعلی بخش کشاورزی حفظ شود و در

جدول شماره (۶) تولید چند محصول عمده در جهان و در کشورهای منتخب در سال ۱۹۸۲ (کیلوگرم در هکتار)

محصول	گندم	جو	برنج (شلوک)	سیب زمینی	چغندر قند
۱ افغانستان	۱۱۶۴	۱۰۹۴	۲۰۷۳	۱۳۳۹۷	۱۸۲۹۳
۲ پاکستان	۱۶۶۳	۷۵۶	۲۴۹۳	۱۰۰۰۰	۲۸۷۹۷
۳ ترکیه	۱۹۰۸	۲۰۳۴	۴۶۶۷	۱۶۶۲۸	۲۲۴۳۲
۴ مصر	۳۴۹۶	۲۶۸۱	۵۵۷۱	۱۵۶۳۷	۲۲۸۵۷
۵ مکزیک	۴۴۰۹	۱۷۵۹	۳۴۲۳	۱۳۰۷۵	—
۶ آمریکا	۲۳۹۶	۳۰۸۴	۵۳۱۵	۳۰۷۴۰	۴۶۱۸۹
۷ هلند	۷۳۹۰	۵۶۷۲	—	۳۷۴۷۲	۵۹۳۰۴
۸ ژاپن	۳۲۵۶	۳۱۴۴	۵۶۸۸	۲۸۰۷۷	۵۸۹۳۸
۹ ایران	۱۰۸۳	۸۵۷	۴۲۴۲	۸۵۱۹	۲۴۰۰۰
۱۰ کشورهای در حال توسعه	۸۵۹۵	۱۱۷۵	۲۱۸۱	۱۱۵۹۷	۳۱۸۹۱
۱۱ کشورهای توسعه یافته	۲۴۷۷	۳۰۹۴	۵۵۸۲	۲۴۶۹۱	۴۸۶۶۵
۱۲ جهان	۲۰۰۹	۲۰۶۸	۲۸۷۱	۱۴۴۲۱	۳۱۷۲۵
۱۳ رتبه ایران در بین ۹ کشور	۹	۸	۵	۹	۷
۱۴ نسبت عملکرد در ایران به بهترین کشور منتخب	%۱۵	%۱۵	%۷۴	%۲۳	%۴۰

جدول شماره (۷) تولید و واردات چند محصول عمده کشاورزی در سال ۱۳۶۳ (هزار تن)

محصول	تولیدات	واردات	سهم واردات در تامین نیاز
گندم	۲۶۰۰	۲۹۰۸	%۳۲
برنج	۹۹۴	۹۶۷	%۴۱
قند و شکر	۶۵۰	۵۷۸	%۴۷
روغن نباتی	۳۳	۴۵۸	%۹۳
گوشت قرمز	۲۷۰	۱۹۷	%۲۹
گوشت مرغ	۲۵۵	۲۶	—
جو	۲۲۹۳	۷۸۹	%۲۵
ذرت	۳۰	۷۵۱	%۹۶



مأخذ: بررسی وضع کشاورزی و مواد غذایی در جهان، وزارت کشاورزی، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی.

● در ایران حدود نیمی از کشور را زمین های غیر قابل عمران تشکیل می دهد که شامل کویرها، دریاچه ها و باتلاق هاست. حدود ۲۰ درصد از اراضی را نیز جنگل ها و بیشه زارها، مراتع، شهرها و راه ها اشغال کرده اند. ۲۰ درصد نیز شامل اراضی بایر قابل عمران از جمله مراتع درجه ۲ و ۳ می شود، بنابراین تنها ۱۰ درصد از اراضی کل کشور زمین های قابل کشت است.

● در برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران آمده است که «استراتژی بلندمدت بخش کشاورزی تبدیل کشاورزی سنتی به کشاورزی نوین و سودآور است، تا امکان بهره برداری بهینه از عوامل تولید در بخش کشاورزی فراهم آید».

● از میان راه حل های مختلف برای کاهش مهاجرت های بی رویه و بدون برنامه، به نظر می رسد که طرح «استقرار صنعت در روستاها» به معنای وسیع آن راه حل کارا تر و انسانی تری باشد.

مقابل توان خدمات رسانی به روستاها را افزایش داد. ولی «توزیع جغرافیایی آبادی ها - فاصله دور آنها - تراکم جمعیتی آنها به ویژه در حدود ۶۰ درصد از آبادی های کشور، امکان سرمایه گذاری های زیربنایی و عمرانی را دشوار و یا غیر اقتصادی می نماید»^{۲۴}. خالی از فایده نیست که نگاهی داشته باشیم به توزیع جغرافیایی روستاهای کشور.

«از تعداد نقاط روستایی قبل از سال ۱۳۳۵ اطلاع دقیقی در دست نیست. باربر تعداد نقاط را که در سال ۱۲۷۹ دارای جمعیتی بین ۵۰ تا کم تر از ۵۰۰ نفر بودند ۳۱۷۸۰ ذکر کرده است. تعداد نقاط روستایی کم تر از ۵ هزار نفری ایران در سال ۱۳۳۵ به تقریب ۴۹ هزار روستا بوده است که در سال ۱۳۵۵ به حدود ۶۲ هزار روستا افزایش یافته

است. طبقه بندی روستاهای ایران در سال ۱۳۶۵ نشان می دهد که اکثریت جمعیت روستایی ایران (۷۶ درصد) در نقاطی زندگی می کنند که بین ۱۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر جمعیت دارد و سهم نقاط بیش از ۲۵۰۰، ۲۴ درصد بوده است. در این سال ۲۷/۵ درصد یا بیش از ۴/۱ جمعیت روستایی در مناطقی که دارای ۱۰۰ تا ۴۹۹ نفر بودند، زندگی کرده اند^{۲۵}. جدول شماره (۸) طبقه بندی جمعیت آبادی های کشور را نشان می دهد.

بنابر ملاحظات فوق و دیگر دلایل، به خوبی الزامی بودن تغییر در ساختار بخش کشاورزی را می توان مشاهده کرد. همچنانکه این مسئله از دید برنامه ریزان اقتصادی کشور دور نمانده است و در برنامه اول توسعه ۵ ساله جمهوری اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است و آینده بخش کشاورزی را

جدول شماره ۸- طبقه بندی جمعیت آبادیهای کشور^۹

۱۳۶۵			۱۳۵۵			طبقه بندی جمعیتی
درصد جمعیت	جمعیت	تعداد	درصد	جمعیت (هزار)	تعداد	
۱۰۰	۲۲۲۹۴۳۹۶	۶۵۴۸۵	۱۰۰	۱۷۴۴۹	۶۶۰۵۵	جمع آبادیهای مسکون ۵۰۰۰ نفر و بیشتر
۷/۷	۱۷/۲۶۵۳۵	۱۹۴	.	.	.	۴۹۹۹-۲۵۰۰ نفر
۱۱/۶	۲۶۰۴۴۶۹	۷۸۲	۹/۲	۱۶۱۲	۴۸۴	۲۴۹۹-۱۰۰۰ نفر
۲۶/۲	۵۸۷۷۹۹۲	۳۹۳۳	۲۲/۹	۳۹۹۰	۲۷۳۵	۹۹۹-۵۰۰
۲۲/۲	۴۹۹۲۱۵۲	۷۱۴۵	۲۴/۷	۳۳۰۶	۶۴۴۴	۴۹۹-۱۰۰
۲۷/۵	۶۱۵۲۲۶۹	۲۵۱۵۹	۳۶/۸	۶۴۲۸	۲۶۴۸	۹۹-۵۰
۲/۹	۶۴۹۹۱۲	۸۹۷۳	۴	۷۰۶	۹۷۵۸	۹۹-۲۵
۱/۲	۲۵۸۰۶۳	۷۱۲۳	۱/۶	۲۷۲	۷۵۰۰	۲۴-۱
۰/۶	۱۳۳۰۰۴	۱۲۱۷۶	۰/۸	۱۳۵	۱۱۶۵۴	خالی از سکنه
.	.	۳۸۶۱۳	.	.	۲۶۹۵۲	جمع آبادیها
۱۰۰	۲۲۲۹۴۳۹۶	۱۰۴۰۹۸	۱۰۰	۱۷۴۴۹	۹۲۰۰۷	

مأخذ: مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل، تابستان ۱۳۶۸.

چنین ترسیم کرده اند: «استراتژی بلندمدت بخش کشاورزی تبدیل کشاورزی سنتی به کشاورزی نوین و سودآور است، تا امکان بهره برداری بهینه از عوامل تولید در بخش کشاورزی فراهم شود»^{۲۶}. و با توجه به وضع موجود، اجرای استراتژی فوق مستلزم تغییراتی بنیادی در بخش کشاورزی است^{۲۷} و بعضی از خطوط اصلی این استراتژی نیز عبارتند از:

۱- تشویق و کمک به کشاورزان برای تشکیل در واحدهای تعاونی تولید کشاورزی که باحفظ مالکیت اعضاء تعاونی و زراعت جمعی و نیز اجرای یک برنامه کشت، واحدهای کشاورزی مشاع سودآور باشد.

۲- تشویق و حمایت از ایجاد واحدهای کشاورزی نوین توسط بخش خصوصی.

و در ادامه افزوده شده است که «سازماندهی عملیات زیربنایی شامل تسطیح و زهکشی در سطح مزارع، بهبود شبکه های سنتی، اجرای طرح های افزایش نرخ بهره برداری از آب های تأمین شده و تلفیق شبکه های اصلی و سنتی آبیاری و نگهداری نظام بهره برداری و احداث راه های روستایی فقط برای واحدهای متشکل و بزرگ کشاورزی مقرون به صرفه خواهد بود»^{۲۸}.

با توجه به آنچه که در بالا مورد تذکر واقع شد، می توان نتیجه گرفت که تغییر در ساختار بخش کشاورزی به هر حال انجام خواهد گرفت. دگرگون سازی ساختار این بخش در زیر بخش زراعت بالاچاره دو مسئله را در بر خواهد داشت: اول یکپارچه کردن اراضی مزروعی تحت هر عنوان و هر شکل حقوقی از مالکیت؛ دوم کاربرد بیش تر ماشین آلات برای افزایش درصد مکانیزاسیون در بهره برداری از اراضی، که این دو در نهایت به رهاسازی بخشی از نیروهای انسانی شاغل در زیر این بخش خواهد انجامید.

نوسازی دردیگر زیر بخش های کشاورزی نیز به طور طبیعی منجر به رهاسازی بخش دیگری از نیروهای انسانی شاغل در آنها خواهد شد و نتیجه گریزناپذیر آن رهاس شدن بازهم تعداد بیش تری از نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی خواهد بود. باز می توان سؤال مطرح شده قبلی را مطرح کرد که با این نیروی مازادها شده از بخش کشاورزی چه کنیم؟ و پاسخهای داده شده را می توان یکبار دیگر مرور کرد و باور ما این است که تشویق به مهاجرت از نقاط روستایی به نقاط شهری در بلندمدت تبعات ناگواری خواهد داشت و چاره در این است که این نیروی مازاد را با ایجاد مشاغل غیر کشاورزی در روستاها نگهداشت که مزیت های این عمل در بخش بعدی توضیح داده خواهد شد.

■ زیرنویس ها:

- ۱- مجله تازه های اقتصاد، شماره هشتم، فروردین ۱۳۶۹.
- ۲- جایگاه صنعت در برنامه ریزی رشد و توسعه مناطق روستایی، تنظیم از مهندس مرتضی شریف النسی، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
- ۳- مأخذ پیشین.
- ۴- مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۱۳، تابستان ۱۳۶۸، مقاله آقای علی اصغر مهاجرانی.
- ۵- مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۲ شهریور ۱۳۶۷، ص ۵۴.
- ۶- مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۸ اردیبهشت و خرداد ۱۳۶۸.
- ۷- مأخذ شماره ۲.
- ۸ و ۹- کتاب قانون توسعه جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۰- لایحه برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸-۱۳۷۲.
- ۱۱ و ۱۲- اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۷ فروردین ۱۳۶۸، مقاله استراتژی اشتغال کشاورزی
- ۱۳- مأخذ شماره ۲.
- ۱۴- مأخذ شماره ۱۱ و ۱۲.
- ۱۵- اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲ مهر ماه ۱۳۶۶، ص ۳۵.
- ۱۶- مجله سنبله، شماره ۱۷ فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۹، مصاحبه با خانم مینو رفیع.
- ۱۷- مجله سنبله، همان شماره، مصاحبه با دکتر جمشیدی.
- ۱۸- مجله سنبله، همان شماره، ص ۱۳.
- ۱۹- تحلیلی بر روند مهاجرت داخلی در ایران، وزارت کشور، حوزه معاونت سیاسی و اجتماعی، دفتر امور اجتماعی، پاییز ۱۳۶۳.
- ۲۰- گذار از کشاورزی سنتی، ترجمه دکتر سید محمد سعید نوری نائینی (انتشارات نی، اردیبهشت ۱۳۶۷) ص شانزده.
- ۲۱- مجله جهاد، شماره ۱۲۴، مقاله آقای مهران ابوالحسینی.
- ۲۲- مأخذ شماره ۲۰.
- ۲۳- مأخذ شماره ۱۰.
- ۲۴- ترسیمی از شماری کلی روستاهای کشور، جهاد سازندگی، کمیسیون بررسی مسایل کشاورزی.
- ۲۵- مأخذ شماره ۴.
- ۲۶ و ۲۷ و ۲۸- مأخذ شماره ۱۰.

